

حذف گرانی از معادلات اداره کشور؟



وحید عظیم‌پا

دبیر گروه اقتصادی

آن، برای مهار خود گرانی چه اقدام مؤثری انجام شده است.

تفکیک میان گرانی و گران‌فروشی در ادبیات رسمی بارها تکرار شده، اما در تجربه روزمره خانوارها چندان قابل لمس نیست. مصرف‌کننده با قیمتی مواجه است که هر ماه بالاتر می‌رود و تفاوتی نمی‌کند این افزایش ناشی از تخلف فروشنده یا نتیجه افزایش هزینه‌های تولید باشد، طبعاً گران‌فروشی تخلف و برخورد با آن ضروری است اما گرانی پدیده‌ای ساختاری است که ریشه در متغیرهای کلان اقتصاد دارد و وقتی تورم مزمن، هزینه نهاده‌ها، حمل‌ونقل، انرژی و سرمایه در گردش افزایش می‌یابد، قیمت نهایی کالا نیز بالا می‌رود و برخورد انتظامی نمی‌تواند این واقعیت اقتصادی را نادیده بگیرد.

از طرفی اقتصاد بی‌سرپناه کشورمان سال‌هاست با تورمی زندگی می‌کند که از حالت مقطعی خارج شده و به یک ویژگی پایدار تبدیل شده است. رشد نقدینگی، کسری بودجه مزمن، بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی و شوک‌های ارزی، فشار هزینه را به زنجیره تولید تحمیل کرده‌اند، در چنین شرایطی انتظار ثبات قیمت مواد غذایی بدون اصلاح این متغیرها، انتظاری دور از واقعیت است. فروشندگانی که کالا را با قیمت بالاتر خریداری کرده است، ناگزیر قیمت فروش را افزایش می‌دهد و در این میان مرز میان گرانی و گران‌فروشی به‌سادگی مخدوش می‌شود. دولت‌ها معمولاً در مواجهه با افزایش قیمت، ابتدا به ابزارهای نظارتی متوسل می‌شوند، زیرا این ابزارها سریع‌تر اثر رسانهای ایجاد می‌کنند. اعلام تشدید بازرسی‌ها، پیام کنترل و اقتدار را منتقل می‌کند، اما لزوماً به معنای درمان ریشه‌ای مشکل نیست. به قاعده تجربه هرگاه فاصله میان قیمت مصوب و قیمت واقعی افزایش یافت، فشار تعزیراتی یا به کاهش عرضه منجر شده یا بازارهای غیررسمی را تقویت کرده است. نتیجه نهایی چنین روندی، پیچیده‌تر شدن مسئله‌ای بوده است که قرار بود ساده شود.

در موضوع مواد غذایی، حساسیت اجتماعی به‌مراتب بیشتر است، زیرا کوچک‌ترین نوسان قیمتی مستقیماً بر معیشت دهک‌های متوسط و پایین اثر می‌گذارد. دولت با اعلام ذخایر کافی برای ماه رمضان و شب عید می‌کوشد نگرانی از کمبود را کاهش دهد و این اقدام از منظر مدیریت بازار قابل دفاع است، با این حال وفور کالا زمانی معنا دارد که قدرت خرید نیز حفظ شود. اگر درآمد خانوار متناسب با قیمت‌ها رشد نکند، وفور نسبی نیز به بهبود درجه فقر نخواهد شد.

افزایش قیمت برخی اقلام از جمله لبنیات، نمونه روشنی از این وضعیت است. اصلاح قیمت شیر خام، تصمیمی بوده است که در پی زاود باید اتخاذ می‌شد، اما پیامد طبیعی آن افزایش قیمت محصولات وابسته است. در چنین شرایطی، برخورد با حلقه نهایی زنجیره توزیع، بدون توجه به هزینه‌های تحمیل‌شده به تولیدکننده، نمی‌تواند پایداری بازار را تضمین کند، از این رو سیاستگذارانی مؤثر نیازمند نگاه زنجیره‌ای از مزرعه و دامداری تا کارخانه و خرده‌فروشی است، همچنین تأکید بر نظارت، زمانی کارآمد خواهد بود که هم‌زمان با کاهش ریسک تولید همراه شود. طبیعتاً ست کشاورز و دامدار در فضایی تصمیم به تولید می‌گیرد که پندۀ قابل پیش‌بینی باشد. تغییرات مکرر در قیمت‌گذاری، تأخیر در پرداخت تعهدات و نوسان در سیاست‌های حمایتی، انگیزه تولید را تضعیف می‌کند و نتیجه آن در نهایت به بازار مصرف منتقل می‌شود. طرح‌هایی مانند کشاورزی فراسرزمینی، اگرچه از منظر امنیت غذایی اهمیت دارند، اما نباید به عنوان راه‌حل کوتاه‌مدت

معرفی شوند. این طرح‌ها سرمایه‌بر، زمان‌بر و وابسته به شرایط سیاسی و اقتصادی کشورهای میزبان هستند. انکای بیش از حد به چنین راهبردهایی، بدون اصلاح ساختار تولید داخلی می‌تواند در شرایط بحران آسیب‌پذیری را افزایش دهد.

مسئله اصلی آن است که سیاستگذار در مواجهه با گرانی، اغلب به معلول می‌پردازد و از علت فاصله می‌گیرد. گران‌فروشی معلول و گرانی علت است، بنابراین تمرکز صرف بر معلول، درمان پایدار به همراه ندارد. برخورد تعزیراتی می‌تواند تخلف آشکار را کاهش دهد، اما نمی‌تواند هزینه تولید را پایین بیاورد یا تورم را مهار کند. این دو کار کرد را نباید با یکدیگر خلط کرد، البته آغاز بر برخورد با تخلفات حتی اگر دیر هنگام باشد، هم قابل استقبال است، چه آنکه ماهی را هر زمان از آب بگیري، زنده است، بنابراین راه کردن بازار به حال خود، گزینه‌ای قابل دفاع نیست. مسئله در تقدم و تأخر سیاست‌هاست. زمانی که دولت نتوانسته است گرانی را مهار کند، طبیعتاً است که به ابزار مقابله با گران‌فروشی روی بیاورد، اما این جابه‌جایی اولویت‌ها نباید به‌عنوان راه‌حل نهایی معرفی شود.

به این نکته نیز باید توجه کرد که اقتصاد بیش از هر چیز به ثبات در تصمیم‌گیری، در مقررات و در متغیرهای کلان نیاز دارد و بدون این ثبات، هر سیاست کنترلی اثر کوتاه‌مدت خواهد داشت. بازار با ایجاد انگیزه، کاهش هزینه مبادله و افزایش شفافیت به تعادل می‌رسد، بنابراین دولت باید نقش تنظیم‌گری هوشمندانه داشته باشد.

اگر قرار است علم مقابله با گران‌فروشی برافراشته شود، باید در کنار آن نقشه راه مهار گرانی نیز به روشنی ترسیم شود. اصلاح ساختار بودجه، کنترل رشد نقدینگی، کاهش نااطمینانی و تقویت رقابت بازرگانی‌هایی هستند که اثر واقعی بر قیمت‌ها دارند. بدون این اقدامات، تشدید بازرسی‌ها بیشتر شبیه مسکن موقتی است که درد را پنهان می‌کند، اما بیماری را درمان نمی‌کند.

جان کلام آنکه، آنچه از تأکید دولت بر تشدید نظارت‌ها و برخورد با گران‌فروشی برمی‌آید، بیش از هر چیز بیانگر تغییر تاکتیک در مواجهه با فشارهای قیمتی و نه حل ریشه‌ای مسئله است. نظارت و برخورد تعزیراتی در جای خود ابزاری ضروری برای جلوگیری از سوءاستفاده و تخلف است و نمی‌توان آن را کنار گذاشت، اما تبدیل شدن آن به محور اصلی سیاستگذاری نشان می‌دهد چاره‌جویی در سطحی پایین‌تر از منشأ واقعی گرانی دنبال می‌شود. گرانی، محصول تصمیم‌های مقطعی یا رفتار چند فروشنده نیست، بلکه نتیجه برهم‌خوردن تعادل داخلی کلان. افزایش هزینه تولید و کاهش قدرت خرید است، بنابراین تمرکز یک‌جانبه بر گران‌فروشی، خطر ساده‌سازی مسئله‌ای پیچیده را در پی دارد. برخورد با حلقه پایانی زنجیره توزیع، بدون اصلاح شرایط تولید و تأمین می‌تواند به کاهش عرضه، بی‌انگیزگی فعالان اقتصادی و شکل‌گیری مسیرهای غیرشفاف منجر شود. چنین روندی به ثبات بازار کمک نمی‌کند و هزینه‌های پنهان جدیدی به اقتصاد تحمیل می‌کند که در نهایت دوباره به مصرف‌کننده منتقل می‌شود.

از این منظر، سیاست نظارتی زمانی معنا پیدا می‌کند که در چارچوب یک برنامه جامع برای کاهش فشارهای تورمی تعریف شود. آنچه امروز بیش از هر چیز مورد نیاز است، بازگشت به سیاستگذاری مبتنی بر ثبات و پیش‌بینی‌پذیری است. مهار گرانی بدون کنترل متغیرهای کلان، نتواند نظام حمایتی و کاهش نااطمینانی امکنپذیر نیست. اگر دولت بتواند همزمان با برخورد با تخلفات، مسیر اصلاحات ساختاری را نیز به‌طور شفاف دنبال کند، می‌توان امیدوار بود در غیر این صورت، تأکید بر گران‌فروشی به عنوان مسئله اصلی، صرفاً جابه‌جایی صورت مسئله است.

روزنامه جوان | شماره ۷۴۷۹

| پنج‌شنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۴ | ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷

سرویس اقتصادی۸۸۲۳۰۶۰

یک اصلاح طلب بورسی که گرفتار ابرتوهم است، برای آینده ایران ابرتورم ۳هزار درصدی پیش‌بینی کرد «جوان» در گزارشی به این القائنات کاذب پرداخته است

تهدید دولت و ملت با ابرتوهم تورمی



کزارش یک ژبنب‌زین

پنج دهه گذشته تحت تحریم قرار داشته و به همین دلیل اقداماتی در راستای تقویت اقتصاد انجام شده است. با توجه به ساختار اقتصادی ایران به هیچ وجه امکان وقوع ابرتورم در آن وجود ندارد و طیف وسیع و متنوعی از اقدامات پیش‌روی دولت قرار دارد که بتوانند آن را کنترل کنند و هیچ بن‌بستی در این زمینه وجود ندارد.

در شرایط فعلی که تورم در کشور روند افزایشی دارد، گمانه‌زنی‌های متفاوتی درباره این موضوع به وجود آمده است. به عقیده بسیاری از کارشناسان، درون‌زایی اقتصاد کشور می‌تواند در این وضعیت به کمک بیاید و نقطه قوتی به شمار می‌رود.

از آنجاکه طی پنج دهه گذشته تحت تحریم قرار داشته‌ایم، افزایش تجارت خارجی با کشورهای همسو در دستور کار قرار گرفته است. از طرف دیگر، بخش زیادی از کالاها در داخل تولید می‌شود و اقتصاد از جنبه درون‌زایی بر خودار است. به زعم کارشناسان، این موارد می‌تواند به عنوان نقاط قوت اقتصاد کشور در زمینه کنترل تورم مورد استفاده قرار گیرد.

کزارش ۳ نرگس‌گودزی

مجلس خواستار تعلیق دستورالعمل‌های صادراتی تا ۳ ماه آینده شد

مجلس در واکنش به اختلال گسترده در صادرات محصولات کشاورزی، خواستار تعلیق سه‌ماهه دستورالعمل‌های جدید صادراتی شد. این دستورالعمل‌ها شامل تبه‌بندی کارت‌های بازرگانی، تعیین سقف ارزی و الزام به پیمان‌سپاری ارزی یا نرخ پایین‌تر از بازار است که به گفته فعالان اقتصادی، عملاً به مانعی جدی برای صادرات به ویژه محصولات فسادپذیر تبدیل شده‌اند.

در پی بروز مشکلات گسترده برای صادرکنندگان و فعالان بخش کشاورزی به‌ویژه در حوزه محصولات فسادپذیر، کمیسیون کشاورزی مجلس بررسی موضوع دستورالعمل‌های اخیر سازمان توسعه تجارت را در دستور کار قرار داد. بر همین اساس، رئیس این کمیسیون در نامه‌ای به معاون وزیر صمت و رئیس سازمان توسعه تجارت، خواستار لغو موقت رتبه‌بندی کارت‌های بازرگانی، پیمان‌سپاری ارزی و اصلاح نحوه بازگشت ارز صادرات محصولات کشاورزی با هدف جلوگیری از اختلال در صادرات و حمایت از تولیدکنندگان شد.

محمدجواد عسکری با اشاره به نتایج جلسه این کمیسیون با حضور رئیس سازمان توسعه تجارت و نمایندگان شکل‌های بخش کشاورزی، باغداران، سورتینگ‌داران و صادرکنندگان، خواستار اصلاح فوری دستورالعمل‌های اخیر حوزه صادرات کشاورزی شد.

وی در این نامه با تأکید بر ماهیت فسادپذیر محصولات کشاورزی و خسارات سنگین واردشده به تولیدکنندگان و صادرکنندگان تصریح کرده است: برای جلوگیری از آشفتنی در فرایند صادرات، لازم است رتبه‌بندی کارت‌های بازرگانی و اجرای پیمان‌سپاری ارزی برای صادرات محصولات کشاورزی به صورت موقت لغو شود.

درخواست لغو موقت رتبه‌بندی کارت‌ها و پیمان‌سپاری ارزی در صورتی مقرر شده است لغو دستورالعمل جدید رتبه‌بندی کارت‌های بازرگانی و پیمان‌سپاری ارزی به مدت سه ماه اجرایی شود، همچنین در خصوص نحوه خرید ارز حاصل از صادرات کشاورزی به نرخ ستا، اقدامات لازم برای تسهیل بازگشت ارز و جلوگیری

اخیراً اظهار نظری عجیب از سوی یک فعال حسین عبده‌تیریزی صورت گرفت، مبنی بر اینکه احتمال چشم تورم کشور به کانال ۳هزار درصدی وجود دارد. این در حالی است که در بدترین شرایط تورم کشور از کانال ۶۰ درصد فراتر نرفته است. به زعم بسیاری از کارشناسان، اقتصاد ایران در شرایط تورمی توانسته است برای خودش نقاط قوتی از قبیل تجارت با کشورهای همسو و تولید کالاها در داخل به وجود بیاورد، همچنین گسترش صنایعی مانند فولاد، سیمان و پتروشیمی نیز از دیگر ظرفیت‌های درون‌زایی اقتصاد کشور به شمار می‌روند که در شرایط فعلی می‌توانند کمک‌کننده باشند.

به زعم کارشناسان امکان بروز ابرتورم در کشور وجود ندارد و دولت با اعمال سیاست‌هایی مانند کنترل نقدینگی از سوی بانک‌های خصوصی و مقابله با بانک‌های ناتراز و سوق دادن منابع به سمت تولید می‌تواند به کنترل تورم بپردازد. علی قنبری، اقتصاددان در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به این موضوع که تورم در کشور بر اساس یکسری مسائل و مشکلات به وجود آمده است و اعمال سیاست‌های درست می‌تواند به کنترل تورم منجر شود، تصریح کرد: افزایش نقدینگی یکی از مهم‌ترین عوامل بروز شرایط تورمی در کشور است. در همین راستا باید اقدامات جدی

یک اصلاح طلب بورسی که گرفتار ابرتوهم است، برای آینده ایران ابرتورم ۳هزار درصدی پیش‌بینی کرد «جوان» در گزارشی به این القائنات کاذب پرداخته است

تهدید دولت و ملت با ابرتوهم تورمی



انجام شده است. با توجه به ساختار اقتصادی ایران به هیچ وجه امکان وقوع ابرتورم در آن وجود ندارد و طیف وسیع و متنوعی از اقدامات پیش‌روی دولت قرار دارد که بتوانند تورم را کنترل کند و هیچ بن‌بستی در این زمینه وجود ندارد. اقتصاد غیرنفتی ایران و حجم بالای آن در کشور به خوبی بیانگر ظرفیت‌های اقتصاد ایران است. در همین راستا توسعه سیستم که اقتصاد ملی از جنبه درون‌زایی بر خوددار است. به طور مثال، گسترش صنایعی مانند پتروشیمی‌ها، سیمان و فولادی‌ها به خروج از حالت تک‌محصولی و وابستگی صرف به نفت کمک کرده است.

این اقتصاددان توضیح داد: افزایش تجارت با کشورهای غیرهمسو با غرب نیز با جدیت طی سال‌های گذشته پیگیری شده است. این امر نیز به عنوان یک نقطه قوت در اقتصاد کشور به حساب می‌آید. دولت با استفاده از این نقاط قوت می‌تواند به سمت کنترل تورم برود.

قنبری گفت: یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در شرایط فعلی دولت باید با جدیت در دستور کار داشته باشد، جلوگیری از هدررفت منابع است. کمبود منابع به علاوه افزایش نقدینگی باعث شده است تورم در کشور حالت افزایشی پیدا کند، به همین دلیل نیاز است حاکمیت از یک

سیاست‌های درست دولت می‌تواند به کنترل تورم بپردازد. در شرایط فعلی دولت باید با جدیت در دستور کار داشته باشد، جلوگیری از هدررفت منابع است. کمبود منابع به علاوه افزایش نقدینگی باعث شده است تورم در کشور حالت افزایشی پیدا کند، به همین دلیل نیاز است حاکمیت از یک سیاست‌های درست برای مهار تورم استفاده کند. در همین راستا باید یادآور شد که حذف ارز ترجیحی به درستی در دستور کار دولت قرار گرفته است. هر اقدامی که در راستای از بین بردن زمینه‌های رانت باشد، مثبت ارزیابی می‌شود و می‌تواند به کنترل تورم کمک کند. وی ادامه داد: کشور طی پنج دهه گذشته تحت تحریم قرار داشته است، به همین دلیل اقداماتی در راستای تقویت اقتصاد کشور

مجلس خواستار تعلیق دستورالعمل‌های صادراتی تا ۳ ماه آینده شد

نجات موقت صادرات کشاورزی از پشت مرزها

قیمت ارز، تحریم‌ها، جنگ، هزینه‌های حمل‌ونقل، انرژی، دستمزد و همچنین قیمت کود و سم، فشار مضاعفی به تولیدکننده وارد کرده است. در حوزه کود و در شرایطی که مدیریت آن در اختیار دولت است، قیمت‌ها به‌شدت افزایش یافته است. به طوری که قیمت کیسه کوداز حدود ۵۰هزار تومان به ۱۵۰هزار تومان در اواخر دولت قبل رسید و اکنون به حدود ۵۰هزار تومان افزایش پیدا کرده است. دلیل این افزایش، تصمیمات بودجه‌ای است. ارز مورد نیاز واردات نهاده‌هائیز از ۱۵ میلیارد دلار به ۸۵میلیارد دلار کاهش داده شده است.

وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرده ثبت سفارش‌ها بیش از نیاز کشور انجام شده و حدود ۶۰۰میلیون تن کالا در گمرکات و مبادی ورودی کشور دپو شده است، اما به دلیل نبود ارز، امکان ترخیص وجود ندارد. بخشی از این وضعیت ناشی از رانت و انحصاری است که در اختیار برخی واردکنندگان عمده قرار داشته است، به طوری که حدود ۸۵درصد واردات از سوی این افراد انجام می‌شده و متأسفانه کالاها بموقع وارد کشور نشده است.

از سوی دیگر، کمبود نقدینگی و عدم پرداخت تسهیلات بانکی به کشاورزان که طی چهار تا پنج سال گذشته حتی سرمایه در گردش هم در یافت نکرده‌اند، مزید بر علت و در نهایت به افزایش قیمت کالاها و محصولات اساسی در سید مصرف مردم و رشد منفی بخش کشاورزی منجر شده است. در این شرایط و با همه این مشکلات در تولید محصولات کشاورزی، فعالان این حوزه در صادرات نیز با محدودیت‌های آسیب‌زننده روبه‌رو هستند.

«ثبات مقررات» پیش‌شرط احیای صادرات کشاورزی فعالان اقتصادی تأکید دارند ثبات مقررات، حذف سقف‌های غیرواقعی، اصلاح سیاست ارزی و حرکت به سمت تکنرخی شدن ارز شرط اصلی نجات صادرات کشاورزی است. تعلیق سه‌ماهه دستورالعمل‌ها اگرچه امیدی موقت برای فعالان کسب‌کار ایجاد کرده است، اما باید دید این تعلیق سه‌ماهه تا چه اندازه در عمل اجرایی می‌شود و آیا به اصلاح پایدار سیاست‌های ارزی و صادراتی منجر خواهد شد یا صرفاً مسکنی موقت برای بحرانی عمیق‌تر است.

سعیده زمانی

جولان ۱۸نرخ در بازار ارز

طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، در سال ۱۴۰۲ حدود ۹۰درصد کشورهای جهان از نظام ارزی تک‌نرخی استفاده کرده‌اند و تنها هفت کشور از جمله ایران، همچنان دارای نظام چندنرخی هستند. امروز حدود ۱۸نرخ مختلفاً در ژ در کشور وجود دارد؛ از ارز آزاد و وارداتی. این تعددنرخ‌ها نه‌تنها به تشدیدرانت و بی‌ثباتی انجامیده، بلکه عملاًامکان مدیریت مؤثر بازار ارز را از سیاستگذار سلب کرده و نظام ارزی کشور را با چالش‌های فزاینده‌ای مواجه ساخته است.

تکنرخی کردن ارز در ایران در ظاهر تصمیمی فنی و ساده به نظر می‌رسد، اما در عمل یکی از پیچیده‌ترین اصلاحات ساختاری اقتصاد ایران است. در جهان امروز کمتر کشوری از نظام چندنرخی ارز استفاده می‌کند، حتی کشورهای مانند ترکیه و روسیه که در مقاطعی تورم‌های تا ۷۰درصد داشته‌اند نیز نظام ارزی تک‌نرخی خود را حفظ کرده و اجازه چندپاره شدن نرخ ارز را نداده‌اند.

بر اساس گزارش منابع بین‌المللی، از میان ۱۹۰کشور جهان، ۱۶۸کشور (حدود ۹۰درصد) دارای نظام ارزی تک‌نرخی هستند، ۱۲کشور (۴/۶درصد) از نظام دونرخی استفاده می‌کنند و تنها هفت کشور (۳/۷درصد) از جمله ایران دارای نظام چندنرخی هستند. نظام ارز چندنرخی اگرچه در ظاهر امر با هدف کنترل تورم در دستور کار قرار گرفته اما در عمل به بازار داغی برای امتیازات ویژه و امضاهای طلایی و در نهایت هدررفت منابع ارزی تبدیل شده است. هر چند این عبارت به معنای تأیید حذف یکباره نظام ارزی چندنرخی نیست اما به صورت کلی اصلاحات ساختاری برای برچیده شدن نظام ارزی چندنرخی ضروری است که بیش از پیش باید مورد توجه سیاستگذار قرار گیرد. ارز چندنرخی با ساختار اقتصاد کشور در هم تنیده شده است و اگر چه مداخلان زیادی دارد اما نمی‌توان مدافعان سرسخت آن را نیز نادیده گرفت. بردگان ارز تک‌نرخی شامل صادرکنندگان، بنگاه‌های تولیدی و فعالان اقتصادی شفاف و مردم هستند که از حذف امضای طلایی و کاهش فساد بهره‌مند می‌شوند، اما گروه‌های دی‌نفعی از جمله برخی واردکنندگان، شبکه‌های غیررسمی انتقال ارز و واسطه‌ها از حمله ترستی‌ها بزرگ‌ترین بازندگان تکنرخی‌کردن خواهند بود. واقعیت آن است که چندنرخی بودن ارز در سال‌های گذشته به‌بخشی از سازوکار تأمین مالی دولت تبدیل شده است.

دولت هم از تفاوت نرخ تسعیر در بودجه با نرخ آزاد منتفع می‌شود و هم از فروش ارز ارزان به برخی واردکنندگان و فروش گران‌تر در سیستم‌های دیگر. همانند دولت گروه‌های خاص نیز از این تفاوت نرخ‌ها بهره‌مند شده‌اند. از طرفی دیگر افکار عمومی نیز خاطره خوشایندی از تک‌نرخی شدن ارز ندارند. به دلیل عدم‌رعایت الزامات از جمله اصلاحات بودجه‌ای، تکنرخی شدن ارز در کشور به نوعی مساوی با گرانی‌های مضاعف بوده است. بر این اساس دولت‌ها نسبت به تکنرخی شدن ارز به دلیل ملاحظات اجتماعی و اقتصادی تردید دارند. در دولت سیزدهم نیز که سیاستگذار تصمیم به حذف ارز ۴هزار و ۲۰۰تومانی موسوم به دلار جهانگیری گرفت، در نهایت به دلیل برخی چالش‌های ساختاری اثر یکسان‌سازی نرخ ارز به درستی محقق نشد. دولت چهاردهم در آذر سال گذشته نیز تصمیم گرفت سیاست جدیدی را اجرا کند که اهدافش از نژدیک‌سازی این دونرخ، کاهش رانت و فساد، افزایش جذابیت صادرات غیرنفتی، گسترش رانت و تخصیص ارز وارداتی و ایجاد تعادل نسبی در تراز تجاری را دنبال کند، با این حال نتایج عملی این سیاست نشان داد نه‌تنها نرخ ارز مبادله‌ای افزایش یافت، بلکه سایر نرخ‌ها نیز کاهش پیدا نکردند و حتی با رشد مواجه شدند، بنابراین کارشناسان شرط موفقیت تکنرخی شدن ارز در اقتصاد ایران را اصلاحات بودجه‌ای می‌دانند.

پیامدهای نظام ارز چندنرخی کمبود منابع ارزی بانک‌های عامل، طولانی شدن فرایند تخصیص ارز، رسوب کالا در گمرکات، افزایش هزینه‌های تمام‌شده، کاهش اعتبار تجار ایرانی در بازارهای جهانی، اختلال در تولید بنگاه‌ها، مشکلات بازگشت ارز صادراتی، کاهش انگیزه صادرات و سرمایه‌گذاری، گسترش رانت و فساد و اختلال در نظام حسابداری صنعتی بنگاه‌ها را پیامدهای اجرایی نظام چندنرخی از است. در این باره محمود نجفی‌عرب، رئیس اتاق تهران در سی‌وچهارمین نشست هیئت نمایندندگان اتاق بازرگانی تهران در پیامی با اشاره به تحولات اخیر بازار ارز با تأکید بر نقش کلیدی نرخ ارز در اقتصاد کشور اعلام کرد: نرخ ارز یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی

است که پیوند میان اقتصاد داخلی و اقتصاد جهانی را برقرار می‌کند، از این‌رو هرگونه سیاستگذاری نادرست در این حوزه می‌تواند اقتصاد کشور در برابر اقتصادهای خارجی آسیب‌پذیر کند، به همین دلیل کشورهای مختلف از نظام‌های ارزی حیوانگونی برای استفاده می‌کنند که یکی از آنها نظام نرخ ارز ثابت است؛ نظمی که در آن، پول ملی به یک ارز با سیدی از ارزش متصل شده است و با مداخله دولت و تزریق ارز پایه، نرخ آن تثبیت می‌شود، مانند آنچه در کشور امارات مشاهده می‌شود. وی ادامه به نظام ارزی کشور اشاره کرد و افزود: در این نظام، ارزش پول ملی بر اساس شرایط بازار و متناسب با ارزش سایر ارزها تعیین می‌شود. دولت‌ها برای حفظ نرخ ارز، دامنه‌ای قابل قبول، ناگزیر به نگهداری ذخایر ارزی حمایتی هستند و از طریق عرضه یا جمع‌آوری ارز خارجی، از پول ملی خود پشتیبانی می‌کنند.

نجفی‌عرب نخستین پیام نظام ارز چندنرخی را عدم‌تعادل در تراز پرداخت‌ها دانست و تأکید کرد، به رغم سختگیری‌های گسترده بانک مرکزی و محدودیت در تخصیص ارز برای واردات، تعادل میان صادرات و واردات برقرار نشده و کسری تجاری از محل درآمدهای نفتی جبران شده است. وی دومین پیامد را شکل‌گیری فضای عدم‌اطمینان در بازار عنوان کرد که نتیجه آن کاهش سرمایه‌گذاری و افت رشد اقتصادی بوده است، به گفته نجفی‌عرب، سومین پیامد، گسترش فساد و معاملات غیرقانونی ارزی به دلیل وجود نرخ‌های متعدد و ایجاد رانت است، به گونه‌ای که بنا بر اعلام رئیس پلیس امنیت اقتصادی فرجا، حجم قاچاق سالانه کالا در یکی دو سال اخیر به حدود ۲۰میلیارد دلار رسیده است و این رقم روندی افزایشی دارد. وی ادامه داد چهارمین مشکل، نیاز این نظام به یک ساختار اداری کارآمد و ذخایر ارزی قابل‌توجه است؛ شرایطی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، فاقد آن هستند. علاوه بر این، قیمت‌گذاری نرخ ارز باعث می‌شود در صورت بروز شوک‌های اقتصادی یا سیاسی، نرخ ارز به صورت جهشی افزایش یابد؛ موضوعی که در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۴ به‌وضوح تجربه شده است. نجفی‌عرب با مرور تجربه‌های گذشته خاطرنشان کرد: هرچند در مقاطعی کوتاه، از جمله در سال ۱۳۷۰ و ابتدای دهه ۱۳۸۰، سیاست تکنرخی شدن ارز اجرا شد، اما این سیاست به دلایل مختلف از جمله تحریم‌ها، قطع روابط کارگزار ی بانکی و نحوه مدیریت اقتصاد کشور، دوام نیاورد و مجدداً نظام چندنرخی بر اقتصاد حاکم شد. محسن زنگنه، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز افزایش بی‌وقفه نرخ ارز را حاصل تداوم سیاست‌های اشتباه، چندنرخی بودن ارز و فقدان برنامه مشخص در مدیریت پولی و ارزی کشور دانست و گفت: تعدد نرخ‌های ارز که بالا به ۱۸نرخ رسیده، عملاً امکان مدیریت بازار ارز را بین برده است چراکه هر کدام از این ارزها قیمت مربوط به خود را دارد و قیمت‌های متعدد باعث شده است عملاً امکان مدیریت ارز در این بخش حاصل نشود. زنگنه ادامه داد: بستن مسیرهای رسمی ورود و خروج ارز، از جمله محدودسازی فعالیت صرافی‌ها، یکی دیگر از سیاست‌های غلط است که باعث شده خرید و فروش ارز به بازارهای زیرزمینی و دستفروها منتقل شود. این رویکرد نه‌تنها کنترل بازار را دشوارتر، بلکه زمینه سوداگری را نیز تقویت کرده است.